

توانمندسازی و ارتقاء نقش زنان روستایی در احیاء و حفاظت از دریاچه ارومیه



منطقه طرح : آذربایجان شرقی و غربی (روستاهای شبستر و سلماس)
مجری : انجمن سبز اندیشان تبریز پاییز 93



فهرست محتوا

1- مقدمه

2- شرایط زیست محیطی جهان و ایران در عصر حاضر

3- وضعیت منابع طبیعی ، آبها و تالابها

4- اقلیم آب و هوایی ایران و روند خشکسالی

5- شرایط کنونی دریاچه و تالابهای ارومیه و عواقب نابودی آن

6- خشک شدن دریاچه ی ارومیه و تبعات آن بر زندگی مردم

7- راهکارهایی در جهت حفاظت از محیط زیست و نقش جوامع محلی

8- نقش جوامع روستایی در حفاظت از دریاچه ارومیه و احیای آن

9- نقش زنان در توسعه روستایی و کشاورزی حوضه دریاچه در احیا و حفاظت از دریاچه ارومیه

10- کشاورزی پایدار

11- چه راههایی برای حفاظت از دریاچه ارومیه وجود دارد؟

12- نام روستاها

13- منابع و مانع

مقدمه :

مشکلات زیست محیطی از مهمترین مسائلی است که جوامع انسانی باید در اولویت برنامه های خود قرار دهند، زیرا هیچ برنامه توسعه ای بدون در نظر گرفتن مسائل زیست محیطی؛ به نتیجه ای که برای آن در نظر گرفته شده است ، نخواهد رسید. آلودگیها و تخریب های زیست محیطی همه جنبه های زندگی بشری را همراه با همه ی موجودات این عالم تحت تاثیر منفی خود قرار میدهد. پس اولین و مهمترین وظیفه هر فردی در هر جایگاهی که باشد ؛ جلوگیری از این تخریب و



آلودگیها ست تا خود نیز در امنیت ، آسایش و سلامت زندگی کند.

یکی از مهمترین معضلات زیست محیطی کشورمان در حال حاضر تخریب و نابودی تالابها و خشک شدن دریاچه ها و رودخانه هاست.

هرچند طبق کنوانسیون های بین المللی ؛ از جمله رامسر که ایران نیز از امضاء کنندگان اصلی آن است ، محافظت از تالابها و دریاچه ها از وظایف مهم دولت محسوب میشود ولی سودجویی های فردی و گروهی در استفاده از منابع طبیعی از یکسو و متناسب نبودن برنامه های توسعه ای از سوی دیگر، ضربات شدیدی را به این ثروت های عظیم ملی زده است.

در این میان وضعیت و موقعیت دریاچه ارومیه و تالاب های آن روز به روز بدتر میشود . خشکی و کم آبی دریاچه بدلیل مختلف، تنها یک مشکل زیست محیطی معمولی نیست ؛ بلکه چندین میلیارد تن نمک است که در سراسر این سرزمین پخش شده و در مدت کوتاهی از مناطق حاشیه دریاچه گرفته تا همه نقاط کشور به شوره زاری بی حاصل تبدیل خواهد گردید .

با نابودی زمین های کشاورزی ، معیشت مردم محلی و سپس کل مردم ایران در معرض نابودی قرار خواهد گرفت و بدنبال آن نابودی زیرساختها و صنایع و ... رادریپیش او خواهیم داشت .

بنابراین ، بحران دریاچه اورمیه یک بحران ملی است نه محلی و منطقه ای ، که اگر هرچه سریعتر بدنبال راه حل اساسی نباشیم ، نخواهیم توانست از تبعات اسفناک خشک شدن دریاچه جلوگیری کنیم . در این میان معضلات بهداشتی و خطرات تهدید کننده سلامتی انسانها نیز از جمله مشکلات غیر قابل جبران خواهد بود.

در همین سالهای اندکی که از روند خشکی دریاچه میگذرد بدلیل انباشت نمک در کف دریاچه و انفعالات شیمیایی ناشی از آن زمینهای کشاورزی اطراف دریاچه یا سوخته و نابود شده اند و یا در حال نابودی میباشند . لذا هر فردی که در این مرز و بوم زندگی میکند وظیفه دارد بقدر توان خود جهت احیا و محافظت از دریاچه و تالابهای آن آنچه را که میتواند درطبق اخلاص نهد .

از میان ذینفعان و ذیربطان این معضل ، مردم محلی هستند که باید با مشارکت فعال در برنامه های دولت ، در حل مشکلات سهیم بوده و با برنامه های آموزشی خاص ، نقش خود را ایفا نمایند .



از میان مردم جوامع محلی ، زنان بخش اعظمی از نقشهای اثرگذار رابه عهده دارند وبا ظرفیت سازی در این قشر موثر و

توانمند کردن آنها میتوان برنامه های موفق را طرح ریزی نمود که در حل معضلات زیست محیطی مفید وموثر واقع شود.

براین اساس طرح توانمندسازی زنان روستایی با رویکرد کشاورزی پایدار وبا هدف احیا وحفظ دریاچه ارومیه وتالابهای

آن تدوین گردید که با اجرای دقیق وکامل آن انتظار میرود بخشی از این مشکل عظیم حل گردد .

امید است با توانمند کردن زنان روستایی در کشاورزی پایدار و افزایش ظرفیت بالقوه آنها در جهت تحقق کشاورزی پایدار

وتغییر الگوی مصرف آب ، بتوان مدیریت حفاظت از دریاچه و تالابها را به زنان در جامعه محلی سپرد ؛ زیرا این بحران

تنها در صورتی قابل حل است که همه نیروها ، همه توان ها ، همه همتها و تجربه ها در کنار یکدیگر قرار گیرند تا آنچه که هدف

اصلی این طرح است تحقق یابد .

در این طرح علاوه بر موضوع توانمند سازی زنان و کشاورزی پایدار ، برنامه های دیگری نیز در حاشیه کارگاه اجرا خواهد شد ، از جمله :

- بررسی معضلات زباله در روستاها و ارائه راهکارها ی مناسب عملی جهت تهیه کودورمی کمپوست توسط زنان روستایی .
- آموزش پرورش قارچ و سایر فعالیت های مشابه توسط تسهیل گران جهت ارتقای سطح معیشتی .
- کمک به بازاریابی محصولات تولیدی و کمک به زنان روستایی در فروش تولیدات لبنی و کشاورزی توسط انجمن سبزاندیشان تبریز .
- امکان سنجی جهت استفاده از صندوق های خرد روستایی و یا تشکیل تعاونی جهت تسهیل در تولید و بازاریابی و فروش محصولات کشاورزی .

شرایط زیست محیطی جهان و ایران در عصر حاضر

در دنیای جدید انسان به استفاده از تکنولوژی و صنعت بر خود میبالد و افتخارش بر این است که چگونه طبیعت را با همه ی داشته هایش در راه منافع و سود جوییهایش به باد فنا داده و میدهد . در مدت کوتاه آشنایی انسان با صنعت و تکنولوژی ؛ به اندازه میلیونها سال حیات بر روی کره خاکی ، خرابی و نابودی به بار آورده است ؛ این تخریب ها و آلودگیها با چنان سرعتی در جریان است که بعید بنظر میرسد بتوان از ادامه این جریان نامبارک جلوگیری نمود .



از بین رفتن لایه ازن بدلیل آلودگی هوا و فعالیت کارخانه ها و صنایع آلاینده و سوخته های فسیلی ، از بین رفتن جنگلها و مراتع با استفاده بیش از اندازه از این منابع خدادای عظیم ، نابودی یا در حال انقراض بودن بسیاری از گونه های گیاهی و جانوری ، بهره برداری از معادن و منابع تا حد هشدار و تخریب محیط با این فعالیتهای حفاری بی حد و حصر، نابودی خاکهای حاصلخیز با استفاده بی رویه از سموم آفتکش محصولات کشاورزی و کودهای شیمیایی برای آنها ، آب شدن یخهای قطبین ، از بین رفتن دریاها و دریاچه ها و ورود خانه ها و تغییرات اقلیمی ناشی از این آلودگیها و تخریبها و بدتر از همه از بین رفتن آبهای شیرین سطح زمین و سفره های آبهای زیرزمینی ، همه و همه هشدارهای جدی در واپسین لحظات زندگی زمین و ساکنان آن است.



جای تاسف است در حالی که پروردگار متعال ذره ذره عالم هستی را به عنوان آیات الهی وامانتی در دست انسان ذکر فرموده و صرفاً جهت استفاده منطقی و عاقلانه و نعمتی برای راحتی و آسایش انسان قرار داده است؛ حریصانه و بی رویه چنان در تخریب و نابودی آن پیش رفته ایم که اگر هرچه سریع تر به فکر نجات زمین نباشیم، آنرا به همراه همه ی ساکنانش از بین خواهیم برد!

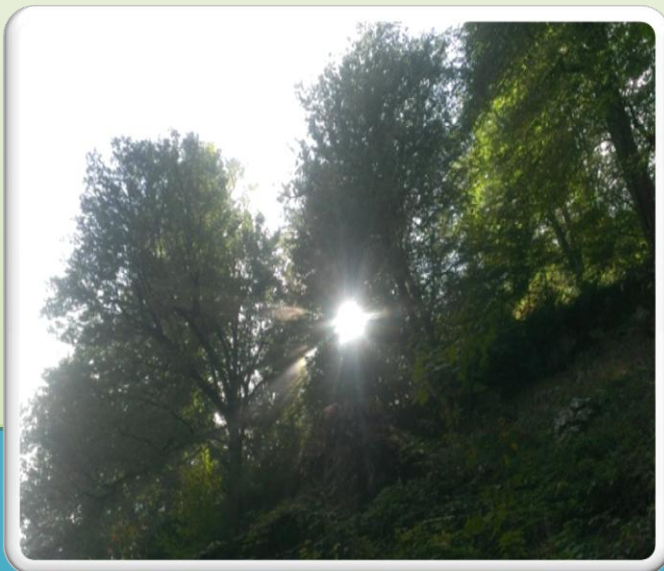
علیرغم برگزار شدن کنفرانسهای بزرگ زیست محیطی در اغلب کشورهای صنعتی توسعه یافته، سهمی که این کشورها در نابودی طبیعت دارند، کمتر از کشورهای در حال توسعه نیست و هرگز نمیتوان این حجم نابودی زیست محیطی را نادیده گرفت. هرچند انواع کنوانسیون های بین المللی در راستای توسعه ی زیست محیطی توسط اغلب کشورهای دنیا تدوین و امضاء شده است و تعهداتی برعهده ی آنها گذاشته شده؛ ولی ترجیح منافع اقتصادی و سیاسی مانع بزرگی در راه عمل به تعهدات و اولویت دادن بر محیط زیست در برنامه های عمرانی و توسعه ای کشورهاست. بدین ترتیب تا زمانی که رویکرد همگامی و عمل به تعهدات همه ی کشورها در مواجهه با محیط زیست تبدیل به عمل نشود هرگز قادر به اجرای برنامه های پیش بینی شده در راه نجات زمین و ساکنانش از آلودگیها و تخریبهای زیست محیطی نخواهیم بود.

از جمله ی عوامل بسیار مهم نابودی محیط زیست ، میتوان به فعالیتهای دامپروری و کشاورزی آلاینده و تخریب کننده اشاره کرد که با عظیم شدن حجم آن استفاده از کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات و آبیاریهای غیر اصولی از یک طرف و ازدیاد دام بیش از توان مراتع و آلودگی هوا توسط همین عامل اشاره کرد .
شاید در نگاه اول کشاورزی و دامپروری چندان آلاینده و تخریب کننده بنظر نرسد ، ولی واقعیت این است که در صد قابل توجهی از نابودی طبیعت تحت تاثیر آن قرار دارد .



در برخی از کشورهایی که درک واقعی و منطقی از این مساله بوجود آمده ، با درپیش گرفتن برنامه های اصلاحی پایدار در کشاورزی ، سعی در جبران خسارت های وارده به محیط زیست واحیا و حفاظت از آن نموده اند که میتواند الگوی مناسب و اثرگذاری در این راستا باشد . استفاده از سیستم کشاورزی پایدار نه تنها به افزایش محصولات کشاورزی بلکه به حفظ آب و خاک وهوا نیز منجر خواهد شد .

در کشور ما نیز محیط زیست در جنبه های مختلف آن با چالشهای جدی وپراهمیتی روبروست که نیازمند برنامه های اصلاحی و نظارتی واجرائی سریع وکارشناسی شده میباشد . از جنگلهای ارسباران تا جنگلهای زاگرس، از دریای خزر تا خلیج فارس، از خاک گرفته تا هوا ؛ همه همه با مشکلات حیاتی دست به گریبانند که اگر هرچه سریعتر چاره وراهکاری بر آنها اندیشیده نشود ، زیانهای جبران ناپذیری را باید تحمل کنیم و منابع عظیمی از طبیعت را ازدست دهیم که کشورمان را با بحرانهای زیست محیطی مواجه خواهد ساخت .



وضعیت منابع طبیعی ، آبها و تالابها

یکی از مهمترین منابع طبیعی در سراسر جهان وبالاخص در کشور ما که با فعالیتهای کشاورزی در بدترین شکل ممکن نابود شده ومیشود **آبهای سطحی** وزیرزمینی هستند . **آب مهمترین منبع حیاتی انسان** و همه موجودات زنده کره خاکی است . منبعی که با ازدست دادن آن نه قادر به تولید آن خواهیم بود ونه قادر به جبران . قطعا توجه به جایگاه منابع طبیعی وبالاخص آب ، ما را قادر میسازد تا با نگاهی دوباره به اهمیت این منابع در حیات وممات انسان ، خود راهرچه مسئولتر در جهت حفظ وحراست ازاین منشاء قطعی وبی بدیل زندگی احساس کنیم .



هر چند بیش از دو سوم کره زمین از آب پوشیده شده است ؛ اما آبی که بتواند مورد استفاده موجودات زنده قرار گیرد تنها آبهای شیرین هستند که با حداقل درصد ، نیازمند مدیریت صحیح و بهینه در تغییر الگوی مصرف آن است .

مقدار آب در دسترس انسان ، به اندازه ای اندک است که جمله مشهوری که در قالب هشدار گفته شده با این مضمون:

(جنگ آینده بشر بر سر آب خواهد بود) بدرستی و صراحتاً ارزش و اهمیت آنرا بیان میدارد .

از یک طرف کمبود آب شیرین و قابل شرب و از سوی دیگر نابودی منابع طبیعی وابسته به آب ، از جمله دریاها ، دریاچه ها و تالابها ، انسان و تمام موجودات عالم را با فاجعه ای مواجه میکند که اگر تعللی در جبران آن نماید ؛ دیگر نخواهد توانست در مقابل اثرات تخریبها ، آلودگیها و نابودی این نعمتهای الهی ایستادگی کند و تاب آورد .



چرا انسان قادر به درک این موضوع نیست که

از بین رفتن محیط زیست یعنی از بین رفتن خود او؟؟؟؟



اکوسیستمهای موجود در کره خاکی مجموعه ای در هم تنیده، متصل و وابسته به یکدیگرند که بقول مولانا، از بین رفتن ذره ای از آن منجر به از بین رفتن تمام هستی میشود و تمام عالم خلل می یابد. با اشاره به مطالب بالا علل نابودی منابع سرشار و عظیم آبی را بررسی اجمالی میکنیم تا دریابیم چگونه موجب نابودی آنها شده ایم و چگونه میتوانیم از نابودی بیشتر آن جلوگیری نماییم.

چنانچه قبلا نیز متذکر گردید، یکی از عوامل اثرگذار در نابودی آنها و تالابها که میتوان در صد قابل توجهی را به آن اختصاص داد کشاورزی بی رویه و نداشتن الگوی مناسب مدیریت آب و خاک است.

از تالابهایی که هم اکنون در معرض نابودی قرار دارد؛ تالابها و دریاچه ی ارومیه میباشد که علیرغم تعهدات دولت بر اساس کنوانسیون بین المللی رامسر (که مهمترین کنوانسیون از این نوع میباشد و دولت ایران از اولین امضا کننده آن بوده است) در مدت کوتاهی شروع به خشک شدن کردند. سرعت این خشک شدن بقدری سریع بوده که تقریبا آن اتفاقی که برای هفت سال پیش بینی شده بود در مدت سه - چهار سال بظهور رسید!

تالابها منبع حیاتی عظیمی برای میلیونها موجود زنده اند که زنده بودنشان، طرز زندگیشان و مدت زندگیشان را به آن مدیون بوده وهستند. جریان آب در این تالابها بر روند حیاتی همه ی این اکوسیستم سیطره دارد وبا کمترین تغییری در این روند ، تخریبهای جبران ناپذیری بوقوع می پیونددکه نه تنها آبها را بلکه کل موجوداتی که زیستگاهشان در تالابهاست را نابود میکند. از مهمترین دلایل این نابودی استفاده غیراصولی وناکارآمد از آب جهت آبیاری در زمینهای کشاورزی اطراف تالابهاست که حجم آبی که باید وارد تالاب شود را کاهش داده ونهایتا منجر به خشکی خواهد می شود . وارد شدن سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی به این تالابها منجر به آلودگیهای شدید در سطح وسیعی از آنها میشود که با آلوده کردن آب ، منجر به نابودی موجودات و گونه های مختلف گیاهی وجانوری آنها میشود. رسوب کردن آلاینده ها در این تالابها میزان خطر را تاچندین برابر افزایش داده و ماندگاری این آلاینده ها را برای مدت طولانی تری تثبیت میکنند .



دریاچه ارومیه وتالابهای ثابت واقماری آن از جمله منابع مهم طبیعی هستند که نه تنها نقش حیاتی در زندگی مردم محلی ایفا میکنند ؛ بلکه همین اهمیت را در اکوسیستم کل ایران دارا هستند واز آنجایی که محیط زیست وهر اکوسیستمی مجموعه ای بهم پیوسته و لاینفک است ، به جرات میتوان گفت اهمیت این دریاچه ، یک اهمیت منطقه ای وجهانی است که هرگونه آلودگی وتخریبی در آن ، از دورترین منطقه مهاجرت پرندگان در روسیه تا کشورهای جنوبی همسایه ایران را بشدت تحت تاثیر قرار خواهد داد .



اقلیم آب و هوایی و روند خشکسالی در ایران

- آب و هوای استان آذربایجان شرقی بطور کلی منطقه سرد و نیمه خشک است .
- تبریز دارای هوای اقلیمی و کم رطوبت است و در نتیجه ارتفاعی که از سطح دریا دارد دارای زمستان های طولانی و سرد است .



- بلندترین نقطه استان قله سهند با ارتفاع 3723 متر .
- پست ترین نقطه در حوالی دریاچه ارومیه به عمق 1220 متر .

بطور کلی استان آذربایجان شرقی تحت تاثیر سه توده هوایی قرار می گیرد :

- 1- توده هوای مدیترانه با ویژگی معتدل و مرطوب
- 2- توده هوای سیبری و آسیای مرکزی با ویژگی سرد و خشک
- 3- توده هوای اقیانوس اطلس شمالی با ویژگی سرد و مرطوب

- خشکسالی یک بحران جدی و تهدید کننده برای کشاورزی است که در صورت ادامه داشتن به یک معضل بزرگ اقتصادی ، اجتماعی و ... برای یک کشور بشمار میرود .
- ایران در منطقه خشک و نیمه خشک جهان با میزان بارندگی 250 میلی متر در سال که 3 / 1 متوسط بارندگی جهان است قرار دارد و میزان تبخیر آن بطور متوسط 2000 میلی متر میباشد که دو برابر بیشتر از متوسط جهانی است .
- 60٪ ریزش های جوی نیز در فصل پاییز و زمستان است که نیاز چندانی به آب کشاورزی نیست مگر به عنوان تغذیه برای ذخیره منابع زیر زمینی .
- کم شدن میزان بارش نزولات جوی میزان آب منابع سطحی و زیر زمینی را کاهش داده و حتی خشک میکند .



- شرایط خاص اقلیمی کشور که خشکی و پراکنش نامناسب زمانی و مکانی بارندگی واقعیت گریز ناپذیر آن است و ناگزیر باید استفاده صحیح و منطقی از منابع آب محدود کشور مد نظر باشد .

- در کشورمان در حال حاضر و بعد از این هم آب مهم ترین نهاده تولید کشاورزی است و مهمترین بخش از میزان آب استحصال شده از منابع سطحی و زیر زمینی (83 میلیارد متر مکعب) در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار میگیرد ،

لذا کارایی این نهاده زمانی خواهد بود که کمترین تلفات را داشته باشیم .



- این تلفات شامل :

1- راندمان انتقال آب از منبع تا محل مصرف

2- تلفات زیاد آب در مزارع کشاورزی

3- نامناسب بودن شکل و اندازه مزارع در ارتباط با نحوه آبیاری

4- عدم آگاهی نسبت به بهینه سازی مصرف آب

5- عدم اطلاع از روشهای آبیاری مناسب

6- نامناسب بودن کیفیت اراضی

7- نامناسب بودن کیفیت منابع آب

8- نامناسب بودن الگوی کشت و تراکم کشت با امکانات منابع آبی در دسترس

- متأسفانه از 90٪ آب مصرفی در بخش کشاورزی با روش های مصرف سنتی با راندمان 35٪ مصرف میشود .

- با این اوصاف و با ادامه این وضع و با رشد جمعیت در آینده حتی در مصرف آب آشامیدنی با مشکلاتی مواجه خواهیم شد .



شرایط کنونی دریاچه و تالابهای ارومیه و عواقب نابودی آن

در مدت زمان کوتاهی دریاچه ارومیه روندی را در خشک شدن تجربه کرد که این اواخر واز دهه ی 80 به این طرف ، اغلب منابع آبی کشورمان آنرا تجربه کرده اند . از جمله رودهای مهمی چون زاینده رود ، کارون ، اروند ، دریاچه پیریشان ، بختگان و... !!! استفاده بیش از حد از ذخایر آبی در کشاورزی ، افزایش کاشت محصولات زودبازده پرمصرف از نظر آبیاری روند خشک شدن و نابودی دریاچه ها و رودها را تسریع نمود بی آنکه فکری برای جبران این خسارت شود .



در حال حاضر دریاچه ی ارومیه و تالابهای آن آخرین لحظه های حیاتشان را میگذرانند که شاید معجزه ای را لازم دارند تا بتوانند دوباره طعم حیات را بچشند و نجات یابند ! از یک طرف برنامه های ناکارآمد و مدیریت نشده ی توسعه ای و سازه ای و از طرف دیگر استفاده با تمام توان از تمام توان دریاچه و تالابهایش در کشاورزی و شیلات ، این دریاچه ی زیبا و بی نظیر را به ورطه ای از نابودی کشانده است که جز با عزم ملی و مشارکت عموم مردم محلی و منطقه ای و برنامه های مدبرانه و کارشناسی شده و تعجیلی دولت ؛ هیچ راهی برای نجات آن متصور نیست.



همزمان که ما طرح ها و برنامه های نجات دریاچه را در حالت آزمون و خطا و در پیچ و خم های اداری دست به دست میگرداندیم ؛ دریاچه لحظه به لحظه به مرگ نزدیک و نزدیکتر میشد !! پرندهگان مهاجر سردر گم میشدند و از نمکهای چسبیده به بال و پرشان قادر به پرواز نبودند و نمکهای جامانده از آبهای شور خشک شده در زیر نور آفتاب تغییرات شیمیایی را تجربه میکردند که در آینده ای نه چندان دور باعث سوختن زمینهای حاصلخیز شده و از مراتع و مزارع سرسبز ، خاطره ای تلخ میساخت . از هر سو به این بحران اشاره میشد و ما هنوز باور نمیکردیم . در این ناباوریهها اتفاق افتاد آنچه نباید!



دریاچه به نابودی نزدیک و نزدیکتر میشود ، تالابها نیز هرچند تعدادی احیا شده اند اما هنوز ثباتی در این احیا نیست و هر

لحظه بیم نابودی آنها ، آرامش را از هر فرد دلسوزی سلب میکند .



دریاچه ی ارومیه با ویژگیها و اکوسیستم خاص خود ، این روند نابودی را به کابوسی بدل کرده که در صورت عدم مدیریت ، به نابودی چندین استان منجر خواهد شد . نمکهای حاصل از خشک شدن آب دریاچه ، زمینهای اطراف خود را تا شعاع هزاران کیلومتر خواهد سوزاند . هم اکنون نیز طبق بازدیدهای میدانی و اظهار مردم محلی ، بخشی از این زمینها نابود شده اند . تشعشعات خورشیدی بر روی این نمکهای بجا مانده، طوفانهای نمکی ، پخش کریستالهای نمک با هر باد و طوفانی ، موجب لم یزرع شدن غنی ترین زمینهای کشاورزی و نابودی معیشت مردم محلی ، بروز بیماری های تنفسی و پوستی و سرطانی که البته کودکان در خط مقدم این نبرد طبیعت و انسان ، آسیب پذیری زودتر و شدیدتری خواهند داشت و کم کم گسترش آن در مناطق دیگر و نابودی همه جانبه زندگی مردم یکی پس از دیگری

این همان فاجعه ای است که اگر اتفاق افتد ، به فاجعه ای انسانی تبدیل خواهد شد که کمتر جنگی در تاریخ توانسته است به شدت وحدت آن باشد!!!

حال اساسی ترین سؤالا در این مورد این است که :

چه عواملی باعث نابودی دریاچه وتالابهای آن میشود؟

دولت ومردم چه وظیفه ای در این باره دارند وچه تدابیری باید بیاندیشند؟

نقش مردم محلی در این باره چیست و چگونه میتوان این نقش را پر رنگتر کرد؟

از مردم محلی ، زنان چه وظایفی را میتوانند به عهده بگیرند و چگونه میتوان آنها را در

ایفای نقش توانمند کرد ؟

چه ظرفیتهایی در جوامع محلی جهت حل این بحران وجود دارد؟

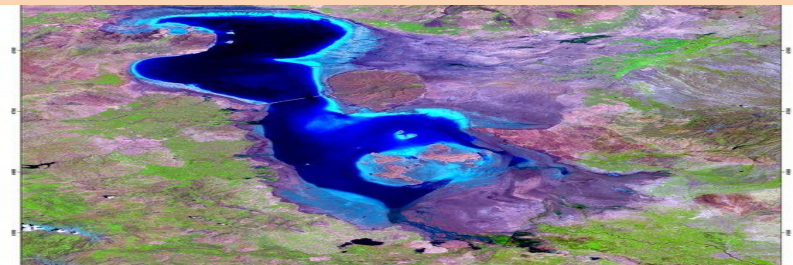
خلاصه مشخصات دریاچه ی ارومیه

شرح	فعالیت
45 ، 36 - 20 ، 38 عرض شمالی 50 ، 44 - 10 ، 46 طول شرقی	موقعیت
5000 کیلومتر مربع	مساحت تالاب
876 ، 51 کیلومتر مربع	مساحت حوضه آبریز
1276 متر بالاتر از سطح دریا	ارتفاع
مدیریت دریاچه و تالاب های اقماری واقع در استان آذربایجان غربی بر عهده اداره کل حفاظت محیط زیست استان آذربایجان غربی است . تالاب های اقماری موجود در آذربایجان شرقی تحت مدیریت اداره کل حفاظت محیط زیست استان آذربایجان شرقی قرار دارد .	موقعیت مدیریتی
دریاچه پارک ملی است و از سال 1346 منطقه حفاظت شده اعلام شده است .	موقعیت حفاظتی
سایت رامس ، ذخیره گاه زیست کره یونسکو	موقعیت بین المللی
تالاب / پهنه آبی ، چراگاه ، زمین کشاورزی	کاربری اراضی
جریان های سطحی ناشی از حوضه آبریز ، آبهای زیر زمینی	منابع اصلی آب
دریاچه لاکوسترین و اغلب تالاب های اقماری پالوسترین	نوع تالاب رامسر
دریاچه : غلظت بالای دریای موجود در آب دریاچه باعث بچود آمدن چرخه های غذایی متنوعی از جمله جلبک های سبز و سبز - آبی ، انبوه آرتمیان و انبوه جمعیت فلامینگو و پلیکان سفید ، مرغابی و پرندگان کنار آبچر شده است . جزایر موجود در دریاچه زیست گاه زادآوری فلامینگوها ، پلیکان های سفید و پستانداران در معرض خطر انقراض مانند گوزن زرد و قوچ ارمنی هستند .	مهم ترین ارزش های اکولوژیک
برداشت نمک ، برداشت آرتمیا ، علوفه برای چرای دام ، صید ماهی (تنها در برخی از تالابهای اقماری) ، شکار پرندگان آبی ، آب ، نی ، علوفه ، گیاهان دارویی	تولیدات تالاب
دریاچه : حمایت از تنوع زیستی ، منظره و چشم انداز ، تعدیل آب و هوا ، جذب رسوبات و آلودگیها	کارکردهای تالاب
تالابهای اقماری : حمایت از تنوع زیستی ، منظره و چشم انداز ، تغذیه آبهای زیر زمینی و کنترل جریانهای زیر زمینی شور ، تعدیل آب و هوا ، جذب آلودگیها	خدمات
اکوتوریسم ، تفرج ، آموزش ، تحقیقات علمی ، لجن درمانی و ارزش های فرهنگی	تغییرات عمده اکولوژیک
سطح آب دریاچه ارومیه به طور چشمگیری کاهش پیدا کرده و پهنه های وسیع شوره زار ایجاد شده است که در معرض فرسایش اند . افزایش غلظت نمک موجود در آب دریاچه باعث کاهش شدید تراکم آرتمیا شده و در نتیجه ظرفیت دریاچه برای پذیرش پرندگان آبی به شدت کاهش یافته است . شورگل به مخزن ذخیره آب دائمی تبدیل شده و تالاب یادگارلو بر اثر احداث زه کش خشک شده است . پدیده ی بوتریفیکاسیون و کمبود جریانهای ورودی تقریباً تمامی تالابهای اقماری را تحت تاثیر قرار داده است . تالاب مصنوعی سولدوز نیز به تازگی بوجود آمده است که کارکرد خوبی دارد	

خشک شدن دریاچه ارومیه و تبعات آن بر زندگی مردم

باقی ماندن اراضی غیر قابل کشت ، شور شدن آب چاهها و کاهش کیفیت خاک از عوارض پسرفت دریاچه ارومیه است .

- آذر شهر ، اسکو ، ملکان ، عجب شیر ، شبستر ، تبریز و بناب در حوزه ی دریاچه ارومیه قرار دارند .
- حفظ شرایط موجود از برنامه های اصلی کارشناسان بوده و توسعه و افزایش سطح زیر کشت در این شهرستانها امکان پذیر نیست .
- جایگزینی باغات و استفاده از گیاهان مقاوم به شوری و کم آبی از راهکارهای پیشنهادی کارشناسان به بهره برداران است .
- بادهای بهاری نمک را بلند کرده و تا چند کیلومتر دور از دریاچه را تحت تاثیر قرار داده است . حال با آغاز بادهای پاییزی قطعا ، مناطق بیشتری درگیر نمک و غبارهای نمک می شوند .
- با خشک شدن دریاچه حدود پنج تا شش میلیون نفر مجبور به مهاجرت خواهند شد که این میزان بیش از 90 درصد جمعیت دو استان و حدود 10 درصد جمعیت کل کشور است .



تبعات خشک شدن دریاچه ارومیه :



- افزایش سقط جنین دام

- پخش ریزگردهای نمکی

- سوختن برگ درختان در مناطق حاشیه ای دریاچه ارومیه به دلیل وجود نمک در هوا

- سلب امکان کشاورزی و دامداری در حوضه آبریز دریاچه ارومیه

- نمک زمین های حاصلخیز منطقه را از بین خواهد برد و این منطقه به بیابان تبدیل می شود .

- اگر کشاورزی از بین برود مردم باید کوچ کنند (مهاجرت کشاورزان)

- شور شدن زمین های اطراف ، کشاورزان را مجبور کرده است تا کشت را به زمینهای بالادست ببرند و زمین های دورتر از



دریاچه را زیر کشت ببرند .

وضعیت اراضی کشاورزی مجاور دریاچه ارومیه

- بر اثر پسروری دریاچه و افت تراز آب های زیر زمین حدود 432 چاه و قنات در شهرستان های آذرشهر ، عجبشیر ، بناب ، تبریز و شبستر که در مجاورت دریاچه قرار دارند ، به کلی خشک شده اند .
- EC تعداد 3200 حلقه چاه و قنات افزایش یافته و افت قابل توجهی در محصولات اراضی تحت پوشش حاصل شده است .
- در 7500 هکتار از اراضی زراعی و باغی به دلیل کاهش کیفیت و کمیت آب کشاورزی افت قابل توجه محصول اتفاق افتاده است .
- 900 هکتار باغ و 4000 هکتار زراعت به دلیل نبود آب خشک و از چرخه کشت خارج شده است .



راهکارهایی در جهت حفاظت از محیط زیست و نقش جوامع محلی در حل این مساله

شاید هنوز هم در جوامع در حال توسعه ، محیط زیست و مطالب مربوط به آن از مقوله های مینیاتوری باشد که به وسیله ای برای ابراز روشنفکری و ابزاری برای برنامه های تشریفاتی دولتها تبدیل شود ، اما در هر نگاهی که به آن تعلق گیرد ، نمیتوان در ضرورت پرداخت جدی و سرنوشت ساز به آن تردید کرد . **هیچ چیز دیگری مانند کیفیت محیط زیست قادر به تحت تاثیر قراردادن کلیت زندگی موجودات هستی اعم از انسان ، حیوان و گیاه نیست.**



بشر با فعالیتهای تخریب گرانه و سودجویانه خود، کمر همت بر نابودی آن بسته است در حالی که نمیداند دقیقا در قایقی نشسته است که با حرص و ولع سوراخش میکند و با دست خود وسیله ی نابودی خود را فراهم میکند .



روند تخریب جنگلها و مراتع ، بیابان زایی و پدیده های گلخانه ای ، آلودگی آب و خاک و هوا، از بین رفتن خاک زراعی ، کاهش شدید آبهای شیرین و زیرزمینی ، نابودی گونه های گیاهی و جانوری ، تغییرات خطرناک اقلیمی و ذوب شدن یخ های قطبی همه و همه بدلیل دخالت نابجا و استفاده وحشیانه انسان از منابع طبیعی و ترجیح سوده های فردی و گروهی بر منافع عمومی ایجاد شده است . بارها و بارها شاهد آن بوده ایم که باکشف سرزمینی یا منطقه ای و حضور انسان در محیطی بکر ، بلافاصله دست به تخریب و آلودگی آن زده و در یک کلام هر جا را با هر وسیله ممکن صرفا از آن خود دانسته و از روی جهالت بر خود حق قائل شده تا در حد توان خود تخریب و نابود نماید .



بدترین شکل این آلودگیها، رها کردن زباله در محیط، تولید زباله های خطرناک و غیرقابل تجزیه در طبیعت، استفاده از آلاینده های محیطی در شکل های مختلف، از بین بردن منابع طبیعی در تمام اشکال آن و بهره کشی از نعمات طبیعی در بیشترین و بدترین میزان آن رامیتوان نام برد.

این هجوم ویرانگر به طبیعت از سوی مردمی صورت میگیرد که با جمعیتی میلیاردي، در حال از بین بردن محیط زیست هستند.



اثرات این آلودگیها و تخریبها در قالب بیماریها، قحطیها، فاجعه های طبیعی ودهها شکل دیگر بروز میکند. نگرانی از این آسیبهای جدی ویرانگر و نابود کننده نسل بشر، قطعاً باید در یکایک انسانها وجود داشته باشد. اما عملاً میبینیم علیرغم مطرح شدن جدی آن و تاثیرات قابل درک و مشاهده ی عینی مخاطرات، هنوز اجماعی برمقابله با تخریبها و آلودگیها حتی در بین دولتها وجود ندارد.



سالانه میلیاردها تن مواد نفتی وارد آبهای اقیانوسها و دریاها میشود، میلیونها هکتار جنگل میسوزد و نابود میشود ، هوا آلوده تر و آلوده تر میشود و ... اما انسانها با ولع سیری ناپذیر، نابود کننده ی طبیعت هستند و بی هیچ اندیشه ای هر لحظه بیشتر نابود میکنند .

با حجم بی نهایت وسیعی از تخریب ها و آلودگی های ایجاد شده ، هیچ دولتی به تنهایی قادر به جلوگیری از آن نیست و نمیتواند کنترل آن را به عهده گیرد . اینجاست که مسئولیت اصلی را مردمی باید به عهده بگیرند که نقش پررنگی در این مساله دارند . آموزشهای زیست محیطی در ابعاد کلان و عمومی از راه هایی است که میتوان به نتیجه آن امیدوار بود و در واقع به همین وسیله است که دولتها قادر به اجرای پروژه های توسعه های انسانی و فرهنگی در جامعه هستند .



اگر مردم آموزش نبینند و درگیر مشارکت با دولت در حفاظت از محیط زیست نباشند، هیچ نیرویی و هیچ اعتباری قادر به اجرای موفقیت آمیز چنین برنامه هایی نخواهد بود .

اولین گام در جلب مشارکت همگانی ، *ایجاد اطمینان* در مردم ، از آن خود دانستن مشکل کره ی زمین و پذیرش مسئولیت در مقابل حفاظت از آن است . ایجاد مطالبه عمومی برای زندگی سالم تر و احترام به حقوق همه انسانها و حتی همه ی موجودات عالم هستی در کنار قوانین بازدارنده و نظارتی از سوی دولت ، آن چیزی است که در جوامعی با مشکلات زیست محیطی ، قادر است برنامه های حفاظتی را در راستای حفاظت از محیط زیست منجر به نتیجه مطلوب نماید .

اگر دولتها برنامه های فرهنگی و آموزشی خود را در هر زمینه ای بخصوص محیط زیست ، تنها از طریق عوامل اجرایی خود برنامه ریزی نمایند ؛ بدلیل حجم بیش از حد این برنامه ها ، قادر نخواهند بود آنرا بطور کامل اجرا کنند و عملی نمایند .

این چنین برنامه هایی جز اتلاف هزینه و وقت و انرژی هیچ دستاوردی نخواهد داشت . با مشارکت مردم محلی در حل معضلات زیست محیطی، آنها ضمن دخالت مستقیم در سرنوشت جامعه ی خود ، با مسائل و مشکلات اجرای برنامه های فرهنگی آشنا شده و درک قویتری از مشکلات دولت داشته و با تفاهم بیشتری سعی در کمک رسانی به دولت مینمایند .

از طرف دیگر با حضور مردم محلی در این برنامه ها ، آنها احساس مالکیت بر پروژه راداشته و اجازه نخواهند داد تا شکست بخورد و میتوانند با تجارب شخصی خود در صورت بروز مشکلات ، از راه حل‌های خوبی در این مسیر استفاده کنند که ممکن است نیروهای دولتی بدلیل عدم آشنایی کامل با آن جامعه نتواند تصمیم درستی بگیرند و یا تشخیص درستی دهند . حضور فعالانه مردم محلی در برنامه های فرهنگی در زمینه های مختلف خود نشان از بلوغ فکری آنها داشته و از جمله

فاکتورهای مهم توسعه بشمار میرود .



نقش جوامع روستایی (بویژه زنان) در حفاظت از دریاچه ارومیه و احیای آن

جوامع روستایی در حوضه ی دریاچه ارومیه از جمله ذینفعان و بازیگران اصلی در تعیین سرنوشت دریاچه هستند . با توجه به حضور هزاران سالی مردم محلی و وابستگی مستقیم معیشت آنها به آب و اقلیم دریاچه ، هرگز نمیتوان نقش آنها را نادیده گرفت و حتی کمرنگ کرد .

با توجه به ساختار اجتماعی روستایی در ایران ؛ زنان همدوش مردان در کشاورزی و دامداری نقش دارند . برخی از آنها به عنوان نیروی کمکی بدون دستمزد فعالیت دارند ؛ برخی دیگر تولید کننده هستند و در زمین خود یا همسر از مرحله کاشت تا برداشت کاملا فعال هستند و برخی دیگر بعنوان زنان خود سرپرست کارهای کشاورزی رادر همه ی مراحل آن اداره میکنند . ممکن است زنان در مرحله فرآوری یا تولید و یا مراحل متنوعی فعال باشند ولی در هر حال جزو نیروی دخیل در کشاورزی و عامل موثر اجتماع خود بوده و در صورت مشارکت و درگیر شدن مستقیم در ایفای نقش ، شایستگی خود را نشان خواهند داد .

نادیده گرفتن و یا دخالت ندادن آنها ، علاوه بر اتلاف نیروی انسانی با ظرفیت حد اقل 50% از جمعیت ، تلف کردن تجارب باارزش و افزایش هزینه آموزش خواهد بود. همچنین در صورت عدم مشارکت زنان ، طبیعتاً از برنامه اطلاعی نخواهند داشت و انتظار همکاری را نمیتوان از آنها داشت. با مشارکت دادن زنان و نیز جلب همکاری خود آنها ، در واقع کل خانواده در بحث مشارکت خواهند داشت ؛ چون تربیت کودکان نیز از طریق زنان انجام خواهد شد و در واقع با پذیرش نقش زنان و دادن آگاهی و اطلاعات به آنها کل جامعه را میتوان آگاهی داد .

با توجه به این مسائل میتوان اطمینان یافت که با استفاده از حضور ، فعالیت و مشارکت زنان در این آموزشها و در این طرح (کشاورزی پایدار) نسبت به حصول نتیجه و رسیدن به نقطه مطلوب اطمینان بیشتری داشت.



کارگاه آموزشی / آذر ماه ۹۳

نقش زنان روستایی در توسعه روستایی و کشاورزی حوضه دریاچه

توسعه پایدار اکولوژیکی که کشاورزی را بعنوان جزئی از خود میطلبد ، تنها در سایه مشارکت جمعی عملی است. زیرا توسعه پایدار اکولوژیکی نیازمند دگرگون سازی نظامی پایدار است که تغییر گسترده اقتصادی ، بیولوژیکی و اجتماعی را در دستور قرار میدهد. تغییری بدین گستردگی تنها در سایه مشارکت تمامی افراد جامعه عملی شود و از این روی هرگز نمیتوان نیمی از جمعیت کشور ، آن هم نیمی که از توانمندیهای بی پایانی برخوردار است ، یعنی زنان را نادیده گرفت. توسعه ی جهانی آهنگ مشارکت دارد و مشارکت زنان ، چه روستایی و چه شهری را دوشادوش مردان آن با عزمی استوار میطلبد .

ازسوی دیگر اهمیت یافتن کارکشاورزی ، خروج از اقتصاد روستایی معیشتی به اقتصاد ی با هیاهو و تکاپوی بازار ، فرایند آگاه سازی همگن به ویژه سود بهره برداری زنان روستایی با کارخودشان ، همراه بوده واهمیت آن بیش از پیش آشکار شده است .

در جنبه ی مهمتر تغییر کشاورزی سنتی به کشاورزی پایدار با رویکرد مدیریت بهینه آب و خاک ، بدون همیاری و مشارکت زنان روستایی امکان پذیر نیست. بدون شک زنان دارای نقش اساسی ومهمی در جریان توسعه اقتصادی میباشند ؛ اما تعدادی از مدل‌های توسعه نقش پراهمیت زنان را در توسعه کشاورزی نادیده گرفته اند؛ این نادیده گرفتن در بخش کشاورزی وروستایی به ویژه در کشورهای در حال توسعه دارای شدت بیشتری است.

سازمان خواروبار جهانی FAO سالهاست که در این زمینه مشغول فعالیت میباشد وگردهمایی وکنفرانسهای بین المللی متعددی را دراین زمینه ترتیب داده است.

ازسال 1976 یعنی آغاز دهه (زن) ،فعالیت‌های این سازمان در این مورد به صورت انسجام یافته تری آغاز شده وتا کنون نیزادامه داشته است.

از علل دیگر اساسی در ناشناخته ماندن نقش موثر زنان روستایی در فعالیتهای مختلف توسعه، فقدان بررسی جایگاه زنان، بخصوص زنان روستایی در فرایند توسعه میباشد. با در نظر گرفتن دیدگاه های مختلف، نقش زنان را باید یک عامل کلیدی در دستیابی به توسعه دانست. حمایت روز افزون از زنان در کشاورزی، کوششهای توسعه را با بالا بردن استانداردهای زندگی برای زنان و شتاب دادن به روند توسعه تقویت میکند. حمایت از زنان به افزایش تولید مواد غذایی و در آمد خانواده های فقیر، هردو کمک میکند. این مساله همچنین در تغییر طرز تفکر در سایر جنبه های توسعه موثر است.



گزارش آموزشی | آبان ماه ۹۳

با توجه به ارزیابی های صورت گرفته عواملی که میتوانند مشارکت زنان را افزایش دهد عبارتند از :

1) فراهم بودن تکنولوژی مناسب برای زنان روستایی با میزان مشارکت آنها رابطه مثبت دارد :

استفاده از روشهای سنتی وسخت در فعالیتهای کشاورزی توسط زنان روستایی میزان بازدهی را کاهش داده موجب فشار کاری بیش از حد به زنان شده وتمام وقت آنها راپر میکند. بی توجهی به فراهم آوردن تکنولوژی مناسب به زنان روستایی موجبات مشارکت کمتر آنها را فراهم آورده است.

2) به کارگیری دانش بومی زنان روستایی با میزان مشارکت آنها رابطه مثبت دارد : برای دستیابی به

توسعه پایدار یکی از عوامل بسیار مهم دستیابی به دانش بومی است . از آنجایی که زنان روستایی نیمی از جمعیت جامعه روستایی را تشکیل میدهند؛ با توجه به تجربه و زمینه های متنوع ودامنه گسترده فعالیتهای خود دارای منبع با ارزشی از دانش بومی هستند.

3) به کارگیری مروج زن ، باعث افزایش مشارکت زنان روستایی میشود : بخش عظیمی از پرسنل ترویج را در سراسر جهان مردان تشکیل میدهند و این مساله در کشورهای جهان سوم حادتر است. پیامد این امر عدم دسترسی زنان به خدمات آموزشی و ترویجی خواهد بود. عدم درک کامل مسایل زنان در تولیدات کشاورزی و نیازهای این قشر باعث خواهد شد تا مشکلات آنان در سیستم بازخورد اطلاعات ترویجی منعکس نشود. اگر مروجان زن بیشتری بکار گمارده شوند تغییر بیشتری در رفتار زنان کشاورز میتواند صورت گیرد و پذیرش مشارکت در بخشهای مختلف برای آنها آسانتر

میشود.



4) میزان آگاهی زنان روستایی با میزان مشارکت زنان رابطه مثبت دارد : یکی از معیارهای

توانا سازی زنان آگاهی است . آگاهی از جنبه های مختلف اهمیت دارد . یکی آگاهی زنان نسبت به حقوق اجتماعی ، درک ارزش و جایگاه واقعی و انسانی خویش در جامعه و خانواده است . این آگاهی شامل مسایل اقتصادی (امور تولید - کشاورزی و...)، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی میشود ؛ در واقع جامعه بایستی نگرشهای منفی و بعضا غیرانسانی را نسبت به زنان تغییر دهد تا زمینه های لازم جهت مشارکت آگاهانه زنان در فرایند توسعه فراهم شود و آنان بتوانند نسبت به حقوق خود آگاهی بیشتری کسب کنند . فردی که باسواد شد و امکان ارتباط با یافته های علمی بشر و قوانین مختلف

را یافت برای مشارکت در برنامه های توسعه آگاهانه تر عمل خواهد کرد.



5) سیاستگذاری های مناسب برای زنان روستایی موجب افزایش مشارکت آنها خواهد شد :

حمایت روز افزون از زنان کشاورز، بالا بردن سطح استاندارد های زندگی برای زنان در کنار سایر حمایت های کاری و حقوقی با شناسایی نقش های مختلف زنان در جوامع روستایی با مشارکت دادن زنان در توسعه نیل به این هدف را افزایش خواهد داد.

6) توجه به نقش زنان در توسعه پایدار موجب افزایش مشارکت زنان میشود : رسیدن به توسعه پایدار و پایدارماندن محیط زیست ، تنها توسط مشارکت خود مردم قابل دسترس است. در این مشارکت ، معمولا توجه به زنان کمتر است . در حالی که زنان روستایی دارای منبع مهمی از دانش بومی بوده و با توجه به نقشهایی که دارا میباشند ، با محیط بیشتر در تعامل بوده و سازگاری بیشتری را نشان میدهند . بنا براین میتوانند بهتر و بیشتر در حفظ محیط و دستیابی به توسعه پایدار از طریق مشارکت فعالانه خود کوشا باشند. از جمله عوامل موثر دیگر در مشارکت زنان روستایی میتوان به سازمان دهی زنان روستایی ، موانع فرهنگی - سنتی و نیازهای مالی زنان روستایی اشاره نمود که در مشارکت آنان از جمله عوامل اثرگذار هستند.

با توجه به رویکرد ضرورت پایدار سازی کشاورزی در منطقه واهداف زیست محیطی که بر آن مترتب است ؛ هرگونه تغییری بدون در نظر گرفتن نقش زنان در آن تغییر بی ثمر و نافرجام است . از آنجا که هم در عرصه زیست محیطی و هم در عرصه کشاورزی نیاز به بازنگری جدی و عملی در سیاستگذاریها و عملکردهای کلان کشوری دیده میشود ؛ لذا بدون در نظر گرفتن نقش اساسی زنان روستایی در هر دو عرصه امکان موفقیت وجود نخواهد داشت. از طرفی علاقه مندی خود آنها جهت مشارکت در برنامه هایی که موجب افزایش محصول، تغییر کیفی مثبت در زندگی ، افزایش اشتغال و بالاتر از همه حفاظت از محیط زیست شان میشود؛ زمینه را برای جلب همگامی آنها کاملا فراهم نموده است.



زنان هم در فرایند تولید و هم در فرایند فرآوری نقش مهمی را در عرصه کشاورزی ایفا مینمایند. نیمی از نیروی کار روستایی هستند که در ساختار اجتماعی و فرهنگی و معیشتی تاثیر پر رنگی دارند. با وارد کردن جدی آنها به فعالیتهای توسعه ای علاوه بر استفاده از توان آنها در افزایش بهره وری، خواهیم توانست به اهداف توسعه ای دست یابیم.



کشاورزی پایدار

کشاورزی پایدار



تعریف :

کشاورزی پایدار ، نظام مدیریت زراعی است که از لحاظ اجتماعی قابل قبول ،

از لحاظ زیست محیطی محافظ و از لحاظ اقتصادی سودمند است .

در واقع کشاورزی پایدار راهبردی مدیریتی است که باعث کاهش هزینه تولید ،

به حداقل رساندن تاثیرات منفی بر محیط زیست و فراهم کردن تولید و



سود مندی مزرعه در هر زمان می شود .

معیارهای اصلی کشاورزی پایدار :

- 1 - هماهنگی بوم شناختی کیفیت منابع طبیعی حفظ شود و تمام اکوسیستم کشاورزی از انسان تا جانوران ، محصولات کشاورزی و موجودات غیرزنده در مسیری تکاملی باشند .
- 2 - صرفه اقتصادی : نه تنها از طریق بازده مستحکم مزرعه بلکه بر اساس درجه حفاظت از منابع و به حداقل رساندن خسارت محیطی نیز محاسبه می شود .
- 3 - تطابق اجتماعی : توان و منابع به نحوی توزیع شود که نیازهای اولیه همه اعضای جامعه برآورده شود . حقوق آنها از بهره وری اراضی ، سرمایه کافی و کمکهای فنی تضمین شود .
- 4 - سازگاری : جوامع روستایی قادر به تطابق با شرایط متغیر و مستمر کشاورزی از جمله رشد جمعیت ، سیاست ها و نیازهای بازار و غیره باشند .
- 5 - بعد انسانی : حفظ سلامت انسان و تلاش برای بهبود کیفیت زندگی وی یکی از عناصر مهم در فعالیت های کشاورزی است .

اهداف کشاورزی پایدار

* اهداف اصلی اقتصادی :

دسترسی و ورود به بازار مناسب و تجارت
منصفانه ، افزایش بهره وری اقتصادی تولید ،
پایداری اقتصاد خانوار تولید کننده ،
افزایش تولید و ارزش افزوده تولیدات ،
کاهش هزینه های تولید ،
بازده خوب و مداوم ،
کاهش نهاده های بیرونی ،
بهترین استفاده از منابع محلی

* اهداف اصلی زیست - محیطی :

توازن زیست - بوم ، حذف آلودگی شیمیایی ،
آب و خاک تمیز ، حفظ منابع طبیعی ،
مدیریت تولید بر مبنای Agroecosistem ،
مدیریت کشاورزان زمینی در فعالیت های کشاورزی

* اهداف اصلی اجتماعی :

احترام به فرهنگ محلی ، تامین نیازهای محلی ،
پایداری در مشارکت محلی ، امنیت و سلامت غذا ،
انطباق دانش بومی و تجربیات ،
شرایط حرفه ای خوب برای کشاورز

سطوح تولید در کشاورزی پایدار :

سطح اول : کشاورزی پایدار مبتنی بر مدیریت تلفیقی (IPM) با شاخص حذف و بهینه سازی و مصرف کمتر کودهای شیمیایی و آفت کش ها - استفاده بهینه از خاک و مدیریت تلفیق تولید برای پرورش گیاه سالم بر پایه کشت بوم به صورت پایدار و موثر برای توسعه در سطح وسیع .

سطح دوم : کشاورزی ارگانیک ؛

سطح سوم : کشاورزی بیودینامیک : شناخت و کاربرد ابعاد روحانی با ساختار ریتم های کیهانی ، نیروی حیاتی ، کیفیت تدارکات بیودینامیک ، موجود زنده مزرعه و ... در فرایند تولید است .

سه اصل کلی در کشاورزی پایدار

- 1- روابط بین تمام بخش های هر سیستم زراعی از جمله کشاورز و خانوار وی و اجتماع
- 2- اهمیت توازن بیولوژیکی در سیستم
- 3- ضرورت به حداکثر رساندن روابط بیولوژیک مطلوب در سیستم و به حداقل رساندن استفاده از مواد یا عملیاتی که این روابط را به هم می زند .

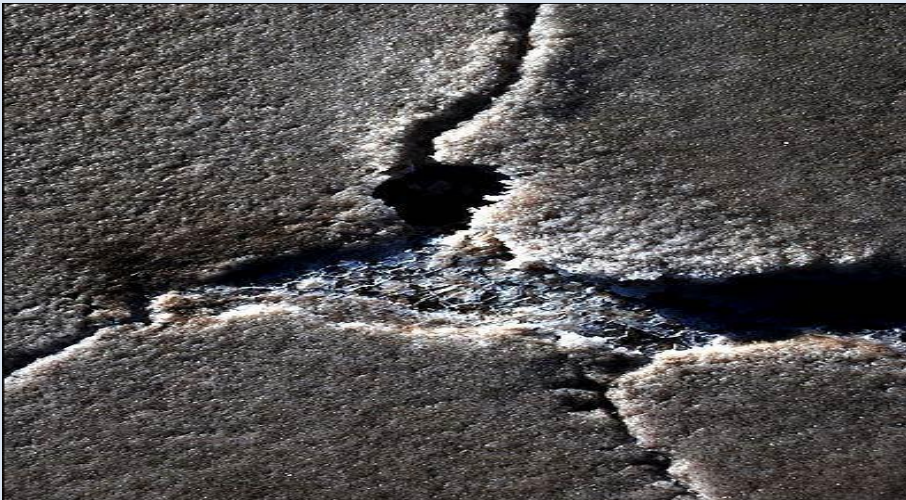
معضلات اصلی توسعه کشاورزی پایدار در ایران و منطقه :

- خرده مالکی و کشاورزی معیشتی
- تولید کنندگان خرد
- دور بودن روستاها از تبلیغات کشاورزی مدرن
- ناپایدار بودن سیستم توسعه ای در کشور
- عدم هماهنگی بین ادارات و سازمانهای ذیربط در برنامه های راهبردی توسعه پایدار که موجب تخریب منابع طبیعی و محیط زیست می شود .
- اجرای برنامه های توسعه ای به صورت ناقص که موجب آسیب دیدن کشاورزی و محیط زیست می شود .

سه راهکار اساسی

1 – ترویج مدیریت خاک ورزی حفاظتی در شرایط خشکسالی

- بهبود کارایی مصرف آب جهت حفظ رطوبت خاک در شرایط خشکسالی



2 – ترویج تغییر الگوی کشت از محصولات مصرف آب بالا به محصولات با توقع آبی کم

- کشت گیاهان کم توقع و ارقام گیاهان زودرس پر محصول که صرفاً نیاز به آبیاری غرقابی و پرمصرف ندارند با محصولات کم مصرف آب، یکی از راههای مبارزه با استحصال بی رویه آبهای زیرزمینی میباشد.
- کشت محصولات جالیزی و غده ایی در بسیاری از نقاط کشور بر بحران آب افزوده و نیازمند جایگزینی کشت هایی با مصرف آب کمتر است.



3 - ترویج آبیاری تحت فشار



- صرفه جویی در مصرف آب و امکان زیر کشت بردن زمین های زیاد

- آبیاری آسان و کنترل مقدار مصرف آب

- امکان آبیاری زمین های ناهموار

- جلوگیری از فرسایش خاک و شستشوی مواد غذایی خاک

- جلوگیری از سرما زدگی گیاهان و درختان و سبزیجات

- کم شدن هزینه کارگر

- کم شدن تبخیر آب



- جلوگیری از رشد علف های هرز

- زیاد شدن مقدار تولید محصول با هزینه کمتر

- توزیع یکنواخت آب در مزرعه و در نتیجه رشد یکنواخت گیاه

- توزیع کود و سم های لازم همزمان با آبیاری کشت گلخانه ایی ؛ مصرف آب

10 برابر کمتر ، برداشت محصول 15 برابر بیشتر ریسک بالای کشاورزی در کشور

به علت بارندگی کم و نامنظم و وضعیت بحرانی منابع آب زیرزمینی ،

مشکل مهمی است که حل آن از طریق جایگزین کردن روشهای جدید کشاورزی

امکان پذیر است .





پیشنهاد برای کشاورزی پایدار در منطقه

با مطالعات علمی و نظر افراد متخصص و صاحب نظر در رابطه با کشاورزی و تحقق احیای تالابها و دریاچه با مدیریت صحیح آب در آبیاری و شرب؛ پیشنهادی که جهت اجرا در زمینهای کشاورزی ارائه می شود:

1- کاشت گندم - جو و کلزا

2- جلوگیری از کاشت چغندر - آفتابگردان و یونجه (در حال حاضر

این کاشت ها با تغییر کشت سنتی در منطقه روبه رو شده است و باعث

مصرف بسیار بالای آب شده است)

3- یکپارچه سازی اراضی با همکاری کشاورزان بر اساس طرح جدیدی

که از سوی انجمن سبزاندیشان تبریز پیشنهاد می شود.

مراحل اجرایی و تاکتیک های مشارکت زنان روستایی

1- ارزیابی و بررسی محیطی و انسانی محل اجرای پروژه

2- تشکیل کارگروه توانمند سازی زنان با مشارکت فعالین و تسهیل گران - دست اندرکاران حیطه زنان و کشاورزی .

3- ورود به جامعه محلی ، اعتمادسازی و سازماندهی گروه زنان هدف برای اجرای برنامه های آموزشی ، میدانی ،

ترویجی و فنی

4- تدوین برنامه عملی کشاورزی با توجه به نوع محصولات قابل کشت ، نحوه آبیاری و امکان سنجی طرح

یکپارچه سازی اراضی زیر کشت

5- استاندارد سازی فرایند کاشت و برداشت ، بر اساس اصول عملیات صحیح کشاورزی با رویکرد کشاورزی پایدار .

6- مدیریت پسماندها و ضایعات کشاورزی و امکان سنجی تهیه کودورمی کمپوست بجای استفاده از مواد شیمیایی و سمی

7- استفاده از ظرفیت های منطقه ای و محلی برای نهادینه سازی برنامه کشاورزی پایدار در تمامی سطوح

8- استفاده از تاکتیک کاشت تلفیقی و توام برای مدیریت صحیح منابع و افزایش درآمد خانوار کشاورز

9- تبیین نقش جوامع محلی در حفاظت از محیط زیست و بهره برداری معقول از خاک و آب

10- شبکه سازی و سازماندهی تشکل های محلی در راستای توسعه پایدار و کسب نتیجه در اجرای طرح در دراز مدت .

دستاوردها و نتایج



مهمترین تاثیرات اجرای طرح توانمند سازی زنان روستایی در راستای کشاورزی پایدار و با هدف حفظ و احیای دریاچه ارومیه را می توان به موارد ذیل تقسیم بندی نمود :

- 1- حفاظت از دریاچه ارومیه و جلوگیری از نابودی آن
- 2- جلوگیری از اثرات بسیار مخرب و نابود کننده نمک ناشی از خشکی دریاچه ارومیه .
- 3- تقویت توانایی زنان و به تبع آن کل اهالی روستا در راستای کشاورزی پایدار .
- 4- ایجاد تعادل در میزان آب موجود و میزان استفاده از آن
- 5- افزایش آگاهی بهره برداران روستایی از خاک آب و آسیب پذیری انسانی ناشی از تخریب زیستی منطقه
- 6- حفاظت و حمایت از تعادل های اکو سیستمی کشاورزی منطقه
- 7- تقویت بنیه معشیتی و مالی خانوارهای روستایی و افزایش درآمد کشاورزان .
- 8- جلوگیری از مهاجرت و تامین معاش پایدار برای اهالی روستاهای منطقه
- 9- افزایش بهره وری آب در کشاورزی منطقه و رساندن آن به شاخص طرح کشاورزی پایدار و حفاظت از تالابهای جهاد کشاورزی و تا میزان 40٪ با شاخص (WUE)
- 10- حذف آلاینده های شیمیایی و مصنوعی در کشاورزی و امکان تهیه محصولات ارگانیک طبق برنامه کشاورزی زیستی .
- 11- انسجام سازمانی و استقرار شبکه محلی از زنان روستایی برای مشارکت در پایداری سازی برنامه های طرح .

چالش اصلی و ضرورت اجرای طرح

1- علیرغم برنامه های ملی و بین المللی برای حفاظت از تالابها و دریاچه ها ، روند خشک شدن تالاب ها و دریاچه های موجود در کشور ایران با شدت روز افزونی ادامه دارد .

از جمله این دریاچه ها و تالاب ها ، دریاچه ارومیه است که هر چند این خشک شدن به خودی خود موجب از بین رفتن کشاورزی و به تبع آن معشیت اهالی روستاها و شهرهای اطراف آن می شود ، بدلیل وجود شوری و میلیاردها تن نمک حاصل از خشکی ؛ از بیماریها و حساسیت های انسانی و دامی و خشکی مزارع و باغها و سوختن زمین های کشاورزی آغاز خواهد شد و به نابودی چندین استان و شاید به جرات بتوان گفت ؛ کل ایران منتهی خواهد شد .

2- از بین رفتن کشاورزی و معیشت مردم منطقه

3- خشکسالی و بی آبی پایدار در منطقه

4- تاثیرات منطقه ای و حتی بین المللی خشکی دریاچه و تالابهای ارومیه به لحاظ تخریب زیست محیطی

راهکارها

- 1 - از موضوعات کلیدی برنامه های مدیریتی ، مدیریت منابع آب و خاک و تبیین نقشه راه برای بخش کشاورزی ، به عنوان یکی از مهم ترین فعالیت های موثر در حفاظت از اکوسیستمهای تالابی است . راهبرد توسعه کشاورزی پایدار شامل ابعاد گسترده ای از عملیات متنوع مبتنی بر نظامهای مناسب کشاورزی سازگار با محیط زیست خواهد بود .
مدیریت پایدار آب ، خاک و گیاه با توانمندسازی مردم محلی موجب افزایش بهره وری و حفظ آب و خاک منطقه می شود و حفظ محیط زیست منطقه با بهره برداریهای معقول و اهمیت دادن به نقش جوامع محلی میسر خواهد شد
- 2 - کنترل استفاده از آب و خاک از مهمترین شیوه های تحقق کشاورزی زیست محیطی و پایدار می باشد . این مساله مهمترین گام برای حفاظت از اکوسیستم تالابی و دریاچه ارومیه با رویکرد مدیریت زیست بومی است .
- 3 - الگوسازی و توانمند سازی جوامع محلی روستایی با استقرار شبکه محلی در فرایند توسعه کشاورزی پایدار و با هدف تقویت های روستاهای سازگار با محیط زیست در حوزه تالابها و دریاچه است و با توجه به اینکه کشاورزی های موجود ، اثرات مستقیم و غیرمستقیمی را در رابطه با از بین رفتن تالابها و دریاچه دارند ؛ از بهره برداریهای غیراصولی گرفته تا پسماندهای شیمیایی و سمی و ... برنامه ریزی برای کشاورزی پایدار، مهمترین برنامه مدیریتی در جهت حفاظت از دریاچه ارومیه قلمداد می شود . بنابراین مشارکت سیستمی آگاهانه ذینفعان در تاکتیک ها و فنون اصلاحی مدیریت مزارع در کشاورزی پایدار ، ارتقای شاخص بهره وری مصرف آب کشاورزی بر پایه اصول شش گانه مدیریت تلفیقی آب ، خاک و گیاه در جهت کمک به تامین آب تالابها ، حذف و کاهش مصرف بی ضابطه آلاینده ها ، مدیریت پسماندها بر اساس رویکرد مدیریت زیست بومی به تحقق حفاظت از دریاچه کمک خواهد نمود .
- 4 - حذف کلیه برنامه های توسعه ای سازه ای (از جمله سدها ، جاده ها و ...) که نتوانسته اند هدف کشاورزی و زیست - محیطی را تحقق بخشیده و خود به عاملی اساسی در جهت خشک شدن دریاچه و تالابهای آن تبدیل شده اند . و حتی در ایجاد کم آبی دخیل بوده و موجب ازدیاد بی رویه حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق گردیده اند که موجب کاهش شدید منابع آبی شده اند .

چه راه‌هایی برای حفاظت از دریاچه ارومیه وجود دارد؟

قبل از ارائه راه کار در هر مشکل و بحرانی ، باید به عوامل بوجود آورنده بحران توجه نمود؛ زیرا با شناخت این عوامل است که میتوان چاره ی آنها نیز شناخت. عواملی که روند خشک شدن دریاچه را ایجاد کرده و یا آنها تسریع نموده اند بالقوه همان عواملی هستند که با تدبیر و برنامه ریزی صحیح میتوانند به عامل نجات دریاچه تبدیل شوند .

مسائلی را در این زمینه میتوان مطرح کرد که پاسخ به هریک از آنها میتواند کلیدی در جهت رسیدن به نجات دریاچه باشد :

(الف) سدها هایی که در منطقه ساخته شده اند ؛ اگر هدف از این سدها ، جلوگیری از هدررفت آب بوده و مدیریت آب و کشاورزی را در برنامه خود داشته است، پس چرا نتوانسته به این اهداف نایل شود!؟

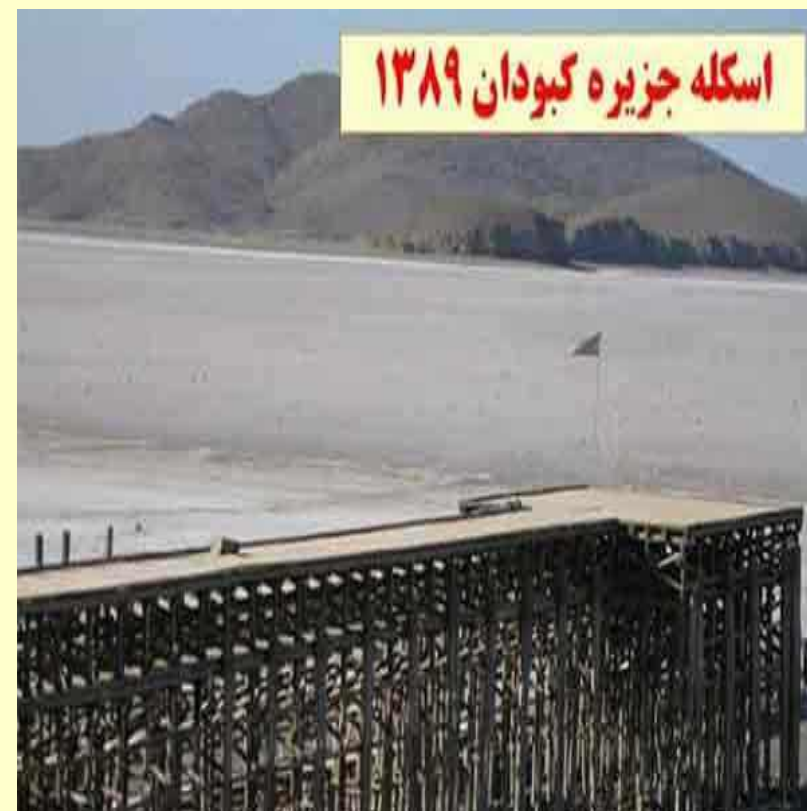
(ب) مردم محلی در رابطه با این سدها و کانالها توجیه نشده و آنها را در جهت منافع منطقه و خود نمیدانند. آیا مجریان این طرح ها ارتباط لازم را با مردم داشته اند تا اهداف این سازه ها قابل دسترس تر باشند؟

(ج) بنا برنظر مردم محلی از کانالهایی که مقرر بود جهت آبیاری استفاده شود هیچ آبی تا کنون جریان نداشته و بلا استفاده بوده اند.

(د) جاده ای که در وسط دریاچه کشیده شده ، موجب قطع رابطه آب دو طرف دریاچه شده و جریان طبیعی آنها مختل و منجر به بهم خوردن اکوسیستم دریاچه شده است.

(و) در استفاده از زمینهای کشاورزی از نظر نوع محصولات و میزان کشت و حقاآبه ، چه نظارت‌هایی از سوی مسئولین و کارشناسان ذیربط صورت گرفته است؟

هـ) سهم استفاده مردم محلی از آب در روند خشک شدن دریاچه تا چه حد است و آیا مصرف بی رویه آب در روستاها میتواند جزئی از عوامل اثرگذار در این بحران باشد؟



براساس این سؤالات و تحقیقاتی که در رابطه با پاسخ آنها به عمل آمده، به نظر میرسد **راهکارهایی** را به شرح زیر می توان مد نظر قرار داد :

1. باز کردن سدهایی که از ورود آب به دریاچه ارومیه جلوگیری کرده است ؛ در حدی که بتواند از نابودی دریاچه جلوگیری نماید.
2. ایجاد تونل و حفره هایی در جاده ی وسط دریاچه، تا آب آن بتواند براحتی جریان طبیعی خود را ادامه داده و ترکیب طبیعی آن حفظ شود.
3. نظارت قطعی و بی اغماض نسبت به برنامه های کشاورزی ، دامپروری و کاشت باغات ونحوه ی آبیاری آنها .
4. لوله گذاری کلیه زمینهای زیر کشت وبغات وراه اندازی آبیاری بارانی و قطره ای در راستای مصوبات دولتی مرتبط با دریاچه
5. می توان گیاهان با نیاز آبی کم در شهرستانهای حاشیه ی دریاچه ارومیه جایگزین کرد . کاهش سطح زیر کشت پیاز در شهرستانهای حاشیه دریاچه ارومیه و جایگزینی محصولاتی نظیر کلزا و زیره با نیازهای آبی کم برای زراعت در این شهرستانها قابل اجرا خواهد بود .
6. توسعه صنایع تبدیلی و بسته بندی که نیاز آبی خیلی کمی دارند و یا توسعه گاوداریهای سنتی برای حفظ درآمد و جلوگیری از مهاجرت از دیگر برنامه های اجرایی در مناطقی است که اماکن کشت و زرع وجود ندارد . تمامی این فعالیتها حفظ کشاورزی در حاشیه دریاچه ارومیه را به دنبال خواهد داشت.

7. تغییر کشاورزی سنتی به سیستم کشاورزی پایدار در همه ی ابعاد آن از کاشت تا برداشت (کشاورزی پایدار مؤثرترین راه حفاظت از دریاچه وتالابهای آن)
 8. پرهیز از برنامه های موازی و متداخل در سایت موردنظر
 9. جذب همکاری و مشارکت فعال کلیه افراد ذینفع و جوامع محلی ، بخصوص زنان در حل مشکل و جذب و جلب مشارکت آنها در اجرای برنامه های مدیریتی تالابها و دریاچه
 10. تدوین و برنامه ریزی مستمر و پایدار در جهت تغییر الگوی مصرف آب در همه روستاها و شهرها و آگاهی رسانی به مردم ؛ از طریق برنامه های تبلیغاتی و تشویقی با هدف صرفه جویی در آب و کنترل بهره برداری از آبهایی که منبع تغذیه دریاچه هستند .
 11. جلوگیری از آلودگی دریاچه وتالابهای آن از طریق سازمانهای ذیربط .
 12. برنامه حفاظتی از گونه های گیاهی و جانوری منطقه واحیای زیستگاه های آنها و کنترل محیط جهت زادآوری آنها .
- در بخشی از این برنامه ها باید دولت با در نظر گرفتن برنامه های از قبل تصویب شده که همسو با حفاظت از محیط زیست طراحی شده است و مدیریت تالابها و دریاچه در آن پیش بینی گردیده ؛ نظارت و کنترل خود را بر هرگونه فعالیت اقتصادی در منطقه افزایش دهد و مسلما برنامه های نظارتی در مسئولیت دولت بوده و برابر قوانین ومقررات میتواند از هرگونه فعالیت تهدید کننده اکوسیستم منطقه والبته تمام سایتهای در معرض خطر جلوگیری نماید.

با توجه به اینکه دریاچه ارومیه در آخرین امکان حیات خود بسر میبرد؛ مانند بیماری است که در حال مرگ است. اگر در این مرحله اورژانسی اقدام مناسب صورت نگیرد و پزشکان در حال گمانه زنی و مخالفت با یکدیگر بوده و طرح های جدیدی ارائه دهند، بر هر فردی که اندک عقلی در سر داشته باشد پوشیده نیست که بیمار خواهد مرد! در چنین شرایطی مسئولین باید اقداماتی را در اولویت برنامه ها قرار دهند که اندک نفسی به دریاچه دهد تا فرصت بیشتری را برای احیای آن داشته باشند. در حال حاضر ارائه ی طرح های جدید و تجربه نشده فقط فرصت نجات دریاچه را از ما خواهد گرفت. در کلیه راهکارهای فوق نقش دولت، تهیه و تدوین برنامه های عملیاتی است که در اغلب موارد از قبل موجود بوده و نیازی به طرح دوباره آنها نیست و جهت اجرای هر یک به مشارکت مردم محلی نیازمندیم تا با همکاری و همیاری آنها تک تک این برنامه ها تحقق یابند.

نجات دریاچه ارومیه و تالابهای آن قطعاً باید بنا بر تمام دلایل ذکر شده در اولویت برنامه های کلان کشور قرار گیرد و با در نظر گرفتن زمان اندکی که باقی است، هر چه سریعتر برنامه های مدیریتی، اجرایی و نظارتی با هماهنگی کلیه دستگاههای دولتی از یک سو و حضور و مشارکت قطعی مردم از سوی دیگر عملی گردد. پرهیز از برنامه های همسو از سوی نهادهای دولتی با حفظ منابع مالی و به حداقل رساندن هزینه زمان، گام بسیار مهمی در این زمینه خواهد بود که این امر با مرکزیت نهاد ریاست جمهوری به عنوان پایگاه اصلی تصمیم گیریها و سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان متولی اصلی میتواند از اقدامات موازی جلوگیری کرده و از اتلاف هزینه و زمان که دو شاخص اصلی موفقیت این طرح است جلوگیری نماید.

ما طبیعت را از پدر امان به ارث نبرده ایم؛ بلکه از فرزندان امان به امانت گرفته ایم.

احترام به طبیعت احترام به زندگیست و احترام به زندگی احترام به خالق است.

مشارکت همگانی ← نجات دریاچه ارومیه ← احیای زندگی میلیون‌ها انسان

دریاچه ارومیه قابل احیاست اگر؛

مشارکت مردم

و

جدیت دولت در اجرای مصوبات

در کنار یکدیگر قرار گیرند.

اسامی روستاهای انتخاب شده در طرح توانمند سازی زنان در راستای کشاورزی پایدار و احیای دریاچه ی ارومیه

- منطقه ی شبر : تسوج ، چهرگان ، انگشتجان ، امستجان ، قلعه ی مراغوش ، قره تپه
- منطقه ی سلماس : خان تختی ، میناس ، آغ زیارت ، یالغیز آغاج ، سلطان احمد ، قره قشلاق ، یوشانلو ، آغ اسماعیل ، قزلجه ، آفتاخانه

فهرست منابع و مآخذ :

جزوه های آموزشی راهبرد توسعه کشاورزی پایدار در مدیریت تالابها : دفتر ملی حفاظت از تالابهای ایران

مجله فصلی اقتصاد و کشاورزی ، شماره 3 - اداره جهاد کشاورزی

آمار و ارقام : جهاد کشاورزی استان آ. شرقی و غربی

راهنمایی ها و نقطه نظرات : مهندس قنبری - مهندس شایان فر (انجمن نجات دریاچه ارومیه)

تهیه و تدوین : انجمن سبز اندیشان تبریز - مهنراز اسلامی

پروژه توانمند سازی زنان در کشاورزی پایدار و احیای دریاچه ارومیه - پاییز 1393

تقدیر و تشکر

در اجرای برنامه های این کارگاه ، آنچه در توان داشتیم در طبق اخلاص نهاده و از اساتید و صاحب نظران و متخصصین بهره بردیم تا بتوانیم آنچه را که شاید و باید توسط طرح اجرا نمائیم .
بر خود وظیفه می دانیم تا با قدردانی از :

دفتر ملی طرح حفاظت از تالابهای ایران ، مدیران کل اداره حفاظت از محیط زیست استان آذربایجان شرقی و غربی و کارشناسان محترم دفتر ملی طرح حفاظت از تالابهای ایران ، کارشناسان محترم اداره کل حفاظت محیط زیست استان آذربایجان شرقی و غربی ؛ اساتید ارجمند جناب آقای مهندس قنبری و جناب آقای مهندس شایان فر که دلسوزانه و بر اساس عرق ملی ما را همیاری نموده اند ؛ **حداقل دین خود را به این عزیزان ادا نماییم .**

انجمن سبز اندیشان تبریز